



۲۰۱۳/۰۲/۰۷

دوکتور ص. سعید افغانی

## افغانستان – پاکستان و اجلاس لندن

در هفته اول ماه فبروری سال جاری (۲۰۱۳م) اجلاس سه روزه بین افغانستان و پاکستان (آقای حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان و آقای آصف علی زرداری رئیس جمهور پاکستان) به وساطت و حضور دیوید کمرون صدراعظم برتانیه در لندن دایر شد. این سومین دور مذاکرات و اجلاسی است که بین افغانستان و پاکستان به وساطت انگلستان صورت میگیرد. دور اول این مذاکرات در نیویارک، دور دوم در کابل و اینک دور سوم در لندن صورت می گیرد.



درین راستا سوال های مطرح میگردد که این جلسه ها ضرورت است و یا خیر؟ چه نتایج خواهد داشت و منفعت بیشتر را ازین اجلاس کی خواهد برد؟ همچنان اصلاً طرفین از یک دیگر چه میخواهند و توان عملی شان چقدر است؟

بعد از سال های ۱۹۴۹ و بعد از سقوط حاکمیت رضاء شاه در ایران و دولت پاکستان در منطقه تختۀ خیز و وسیله و متحد بسیار نزدیک امریکا و برتانیه در منطقه بوده و درین راه در سالهای مبارزه علیه

نظام و سیستم کمونیزم و سقوط آن پاکستان منحصی متحد اساسی امریکا با بدست آوردن سالانه بیشتر از ۸ میلیارد دالر مساعدت مالی توانسته است اهداف امریکایی را در منطقه مؤفانه عملی کند.

درین میان در سال ۱۹۵۰ امریکایی به سردار محمد داوود خان صدراعظم وقت افغانستان گفتند تا کابل باشد مشکلات خویش را خود با افغانستان حل کند در غیر آن از کمک های امریکایی محروم خواهد شد که چنین هم شد. برای سیاسیت های آن وقت افغانستان شوروی وقت لیبیک گفت و مبارزه جنگ سرد به جای خود ادامه داشت.

به مرور زمان و ادامه جنگ سرد نظام کمونیستی شوروی وقت، تحت همین فشار های کمربند سبز طرح ریزی شده در امریکا که در آن نیرو های دینی علیه کمونیزم بود، به صورت عمده با قربانی ملت افغان و مجاهدت شان، زمین های سقوط شوروی را مهیا کرد و پاکستان در نتیجه آن در منطقه به حیت یکی از کشور های مطرح و دارای سلاح اتمی، متحد عمده اضلاع متحده امریکا مبدل ساخت.

پاکستان با هوشیاری که داشت و دارد در پهلوی سیاسیت رسمی اهداف که برای آن از امریکا و انگلستان پول و پشتیبانی وسیع دریافت کرد و در مبارزه علیه کمونیزم و جنگ سرد برنامه کمربند سبز اضلاع متحده امریکا را مبنی به استعمال نیروهای دینی و اسلامی مؤفانه تطبیق کرد و ازین نیرو و این نسخه استادانه استفاده برد. بنحویکه این نیرو هارا برای اهداف ستراتیژیک خویش به ضد حریف هندی خویش و اهداف ستراتیژیک خویش بر علیه افغانستان استادانه به کار برد و این پروسه با اجازه و بدون اجازه این احزاب و سازمان های سیاسی و نظامی اسلامی بکار برد و می برد.

در نتیجه پاکستان که از سالهای ۱۹۴۹ و یا از زمان تأسیس خویش ۶۵ سال قبل (۱۹۴۷م) تا سالهای قبل از دهه هفتاد قرن گذشته در برابر افغانستان در حالت تدافعی قرار داشت و تلاش میکرد در برابر مطالبات جانب افغانی مبنی بر غیر مشروع بودن خط نام نهاد دیورند (دیورند لاین) در حالت بس ضعیف قرار داشت، برعکس قوت بگیرد و ابتکار عمل را در دست گرفت. پاکستان بعد از سالهای هفتاد قرن گذشته توانست با بسیج نیرو های دینی بر علیه حاکمیت کابل و بعداً در مشوره با امریکا و جامعه جهانی روز به روز تقویه شده و قوت بیشتر یافت. به این ترتیب ستراتیژی پاکستان در برابر افغانستان به یکباره بوجود نیامده بلکه به صورت سیستماتیک و تاریخی پیگیری می شود. درین مجاهدت پاکستان از سالهای ۷۰ قرن گذشته تا دم حاضر که تحت نام دفاع از اسلام مطرح بوده صدها بار عملاً واقع شده که منافع ستراتیژیک پاکستان بر منافع اخوت اسلامی و کشور های برادر اسلامی عملاً برتری گرفته است.

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

به این ترتیب ما دیدیم که پاکستان بخاطر اهداف موازی خویش با برنامه های امریکا و انگلستان و ... درین عرصه نیرو و شخصیت های دینی و اسلامی را ایجاد، رشد و انکشاف داده است. و بعد ها به صورت عمده و با پرچون به فروش آن پرداخته و درین راستا به پرچون فروشی بخاطر ننگ داشتن اهمیت و مطرح بودن خویش اولویت داده است.

تصادفی نیست که در سالهای اخیر با وجود تقاضای دولت اضلاع متحده امریکا از دولت پاکستان مبنی بر تسلیمی جنرال حمید رئیس استخبارات نظامی وقت پاکستان و فعلاً یکی از «نظاقان و یکی از اعضای رابط دولت پاکستان با نیروهای جهادی ضد حاکمیت کابل و ضد نیرو های جامعه جهانی در افغانستان و ...» را بخاطر به امریکا تسلیم نداد که دولت چین به تسلیمی جنرال حمید گل مخالفت کرد. علت اساسی مخالفت دولت چین مبنی بر عدم تسلیمی جنرال حمید گل به امریکا درین بود که دولت پاکستان بخاطر اهداف خویش با جدایی طلبان اسلامی و با اسلام گرایان چینیایی مقیم پاکستان دهها مرتبه خیانت کرده و آنها را به گیر و دام دولت چین قرار داده که در نتیجه دولت چین کمونیستی نیز به حمایت نوکر و خادم خویش جنرال حمید خاین به اخوت اسلامی و برادران اسلامی، می پردازند.

تمام شواهد و محاسبات عینی و قراین مستند و متعدد نشان میدهد که درین راستا و تجارت جانب دولت پاکستانی در برابر عواید مالی کشور های اسلامی و خاصتاً منابع مالی عربستان دهها مرتبه آنها را که ظاهر برای اهداف اسلامی مساعدت میکرد و در پاکستان گشت و گذار داشته اند، به حق شان خیانت کرده باشد و به نیروهای امنیتی سعودی تسلیم کرده باشند.

مسأله دستگیری، نابودی و سر به نیست کردن و شهادت آن رهبران و شخصیت های جهادی موجود افغانی بشمول حرکت طالب که می خواستند در کشور خویش افغانستان به صلح و تفاهم نایل شوند، سند دیگر غیر قابل انکار است که دولت پاکستان گذشته از برحق بودن و عدم برحق بودن به حرص و آز خویش تسلیم شده و در برابر اهداف مالی و مقاصد ستراتیژیک خویش به هیچ اصل و اساس اسلامی و انسانی خود را وابسته احساس نکرده و توان عمل هرگونه کار را دارند که بتوانند به منابع مالی و اهداف پاکستانی نایل آیند.

هنوز هم پاکستان به متحدین خویش و جهان استدلال میکند که شما از منطقه خارج خواهید رفت و خارج خواهید شد اما ما برای تحقق اهداف بعدی و اهداف بعدی شما در صورت ضرورت بر علیه ایران شیعه و روسیه (اگر باز سر بلند کند و حتی محیلانه قرار محاسبات در موارد مطرح خواهند کرد بر علیه چین و ....) به این نیروهای دینی افراطی ضرورت دارند و نباید این وسیله و حربه را از دست داد.

هنوز هم پالیسی سازان اصلی پاکستان به این معتقد اند که بی امنی در افغانستان و منطقه سبب مطرح بودن پاکستان، منبع درآمد پاکستان و منبع پر کردن جیب های جنرالان پاکستانی میشود.

هنوز هم پاکستان به این معتقد بوده که آتش و سوختن افغانستان سبب و مانع سوختن و کشتن در پاکستان خواهد شد. اما درین اواخر عملاً دیدند که آنکه آتش میزند ریش اش نیز خواهد سوخت.

در چنین شرایط پاکستان در منطقه و از جانب افغانستان چه می خواهد و چطور می خواهد به این اهداف برسد و آنرا عملی سازد؟

در مورد اینکه چطور می خواهد و از کدام وسایل میخواهد به این اهداف خویش برسد و آنرا عملی کند مطالب را ارایه کردیم اما حالاً مشخص پاکستان چه میخواهد و کدام موانع را در برابر خویش دارند؟ این منافع تا کدام حد با منافع دولت انگلستان از یک طرف، منافع دولت امریکا از جانب دیگر و منافع پاکستان مطابقت دارد؟

درین راستا بگویم و قابل درک هم است که دولت ها در روابط بین المللی منافع خویش را اولویت داده و دولت انگلستان نمی خواهد حضور تاریخی خویش را در منطقه و خاصتاً پاکستان به نفع هیچ کشور به شمول امریکا از دست بدهد و همین هم یکی از نکاتی است که دولت افغانستان آنرا باید در رابطه به روابط خویش با امریکا و انگلستان با دقت در نظر داشته باشد.

پاکستان میخواهد در افغانستان حاکمیت دست نشانده، ضعیف و متکی به خود داشته باشد تا از یک طرف برای جهان کماکان عینک های دید به منطقه و افغانستان باشد و کماکان وسیله تطبیق اهداف امریکا و دیگر ابر قدرت ها را در منطقه بازی کند.

پاکستان نمیخواهد تا هندوستان ب منطقه و افغانستان وارد شود و هدف زعامت منطقوی پاکستان در منطقه تهدید شود. پاکستان میخواهد تا جامعه جهانی و امریکا زمام امور افغانستان را چنانچه در جنگ سرد وعده داده شده بود به پاکستان تحویل بدهد.

بلی پاکستان در حد توان و پیگیر در نهایی ساختن خط نام نهاد دیورند لاین است. تصادفی نیست که باوجود (۲۶۴۰ کیلو) و با داشتن ۳۶۵ معیر، محیلانه در کنفرانس حاضر لندن تأکید میکنند که اکثر عبور و مرور در سرحدات افغانستان و پاکستان

د پانوی شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

توسط پاسپورت شود این کار به امنیت طرفین مساعدت خواهد کرد. در حالیکه این تدبیر فریب پاکستان است و برای عبور و مرور نیرو های جهادی اصلاً مانع شده نمی تواند و نیست.

واقعیت این است که با نزدیک شدن جامعه جهانی به صورت مستقیم به افغانستان دیگر ضرورت به عینک های پاکستانی وجود ندارد و جهان جهت دید به افغانستان دیگر به عینک پاکستانی ضرورت ندارد و این ضرورت در حال منتفی شدن است.

کشور های جهان تاحدی مشت پاکستان را متأسفانه نه به ابتکار اداره ضعیف دولت افغانستان، بلکه با دید و شناخت خویش باز کردند و یکی از مستندات و لبریزی کاسه صبر کشور های جهان یافتن و موجودیت بن لادن در قلب محل نظامی پاکستان (ایبیت آباد) بود.

اخیراً شواهد بدست آمده از محل رهائش بن لادن در ایبیت آباد پاکستان (۲۰۱۱) نشان میدهد که مولانا سعید ... عضوی برحال کمیته دفاع پاکستان که جنرال حمید گل نیز عضو این کمیته و چند مولانا؟! و تاجر دین عضوین کمیته روابط تنگا تنگ داشت و جنرال حمید گل در مصاحبه تلویزیونی چندی قبل خویش از روابط تنگاتنگ خویش مولانا سعید در کمیته دفاع پاکستان به شدت دفاع کرد.

این همه و دلایل و مستندات دیگر جهان و تحلیل گران را به این معتقد ساخته است که بازی های دوگانه پاکستان که در آن چیزی به شمول اسلام مقدس نبوده و منافع پاکستان اولویت دارند یکی از دلایل عمده ادامه تراژیدی ملت افغان، مردم بی گناه منطقه و خطر صلح جهانی است.

بر علاوه این جامعه جهانی دارد در پایان سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴م) از افغانستان با گذشت بیش از یک دهه حضور و قربانی گراف مادی و انسانی خارج میشود و دست آورد مناسب ندارد.

جامعه جهانی به شمول امریکا و انگلیس دارد با افغانستان روابط مستقیم و ستراتیژیک قایم میکند و نیرو های اصیل افغانی مجبور و محصور در دست پاکستان نیز به صلح و آرامش بیشتر و بیشتر متمایل اند و روز به روز به عمق و بُعد بازی های پاکستان آگاه میشوند و .... این همه پاکستان را نیز تاحدی به این معتقد و مجبور میسازد تا دیر نشده و تا فرصت های وجود دارد اقل برای مدت زمانی که بتواند از لبه تیغ تیز جامعه جهانی و امریکا جان به سلامت ببرد و از وقت استفاده کرده منابع مالی نیز بدست آورد، باز هم به یک تجارت سیاسی دیگر و با در نظر داشت واقعیت ها و تجارب گذشته ظاهراً به یک تجارت دیگر دست زند و قسماً با حضور در اجلاس لندن با حضور نیرو های نظامی و طرفین به شمول آقای اشفاق کیانی (لوی درستیز قوای نظامی) حاضر میشوند و درین راستا به جهان و جهانیان ارادت نیک خویش را که گویا از دو رویگی دست برداشته اند، فرصت کمایی میکنند. رهایی یکسره زندانیان طالب بدون توضیح اینکه اصلاً این شخصیت های حرکت طالب جهادی چرا دستگیر شده بودند مسایل که صداقت پاکستان را مورد سوال قرار میدهد.

اما مطالبات نهایی ساختن خط «دیورند لاین»، و حتی برنامه های الحاق قسمت های پشتون نشین افغانستان به پاکستان با شواهد زیادی محسوب است.

با حضور در لندن میخوانند تا ابروی کمرنگ و فشار جامعه جهانی را علیه خویش تضعیف نمود، مانع حضور و کمرنگی حضور هندوستان در افغانستان شده، امتیازات مالی و دیگر اهداف ستراتیژیک خویش را کماکان پیگیری کند.

اینکه این جلسات ضرورت است درین هیچ شک نیست. اما اینکه ازین گردهمایی بیشتر کی منفعت خواهد بُرد و کی درمورد صادقاته عمل خواهد کرد سوالات اند که جواب آنرا زمان خواهد داد.

شواهد و قراین نشان می دهد که پاکستان بخاطر باز شدن مشت دو رویه اش در طول تاریخ موجودیت اش و خاصتاً در بیشتر از یک دهه اخیر و با وجود موقف نامناسب و فشار های بین المللی علیه وی درین اجلاس نیز منفعت بیشتر ببرد. همینکه بتواند طرح پاسپورت را بر مردم قبایل آزاد و دوطرف خط دیورند لاین کند برای پاکستان دست آورد است که به هیچ صورت به مسأله تلمین صلح در افغانستان چنانچه پاکستان توجیه میکند ربطی ندارد.

باز هم سوال مطرح باقی است که آیا پاکستان و آنهاییکه از جانب پاکستان در لندن حضور به هم رسانیدن و تعهدات سپردند و تقاضا های داشتند، میخوانند ویا مجبور به تعهدات شده اند و یا واقعاً باز هم رول بازی میکنند و صادق نیستند؟

این چیزی است که بخش از جواب می دانیم اما بخش عمده جواب را زمان خواهد داد.

اما چیزی که، نتایجی که در محاسبات از وضع و تحلیل آن نتیجه گیری میشود این است که:

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

اکثریت نیرو های معینی دینی، مجبور و یا هم معذور و یا هم استعمال کننده های دین به حیث وسیله و یا هم مبارزین صادق خادم به کلمه الله و خادم دین و خادم به مردم و وطن دیگر نمی خواهند، قسماً چشم شان باز شده و یا نمی گذارند به آن نحویکه دولت پاکستان میخواهد، از آنها بهره برداری کند. دولت پاکستان به بخش ازین نیرو ها در پاکستان به نحوی که محیط پاکستان زندگی میکنند تأثیر دارد اما با بخش عمده و اساسی این نیرو ها معامله کرده و توانسته است ازین معامله وداد و گرفت منفعت ببرد و خود را مطرح کند و به این ترتیب از جامعه جهانی جزیه بگیرد.

دقیقاً تمام محاسبات نشان میدهد که تعداد نیرو های طالب که به صورت عمده دریک معامله پاکستان برآن تأثیر بیشتر دارد و اکثر آنها در افغانستان و هند به عملیات نظامی می پردازند در مقابل نیروهای طالب و جهادی افغانی به مراتب کمتر اند. پاکستان توانسته بنا بر مجبوریت های طالب و جهادی افغانی و در موارد مطرح بودن سوال بقا و عدم بقای شان به نحوی معامله به نفع طرفین موجودیت خویش را مطرح کنند. بصورت عمده این معامله چیست که دولت پاکستان خود را در میان مطرح کرده و از آن نفع میبرد؟

پاکستان مطرح میکند و میگوید: شما نیرو های جهادی و مبارزین هستید، شما میتوانید جهاد و مبارزه خویش را بدون ممانعت و ایجاد مشکل و یا با مسامحه از جانب نیروهای پاکستانی به شرطی به پیش ببرید که علیه دولت و نیروهای پاکستانی ن جنگید. ما شما را نمی بینیم و شما ما را نبیند و در موارد که برای فریب جهانی ضروری است، باید جنگهای زرگری را نیز براه اندازیم.

درین حالت اگر پاکستان بخواهد که واقعاً به ضد نیرو های جهادی و طالب در افغانستان و پاکستان بچنگد و نگذارد که آنها به افغانستان سرازیر شوند و مبارزه و جهاد در افغانستان کنند. درین صورت آنها به خود پاکستان و دولت پاکستان مواجه خواهند و پاکستان این کار را نخواهد کرد با آنها مواجه و مقابل شوند و خود قربانی بدهد. درین صورت تمام برنامه های و نسخه های جنگ سرد و اینکه جهاد افغانستان نجات پاکستان است و نسخه های مشابه از اساس تغیری خواهد کرد. کاری که ماهیت پاکستان توان آنرا ندارد.

درین صورت عین بازیگر به بازی دیگر می پردازد. کاری که پاکستان با در نظر داشت ماهیت و توانایی های پاکستان فعلی بس مشکل و در موارد میتوان آنرا به نا ممکن فریب خواند. تمام شواهد نشان میدهد که تا زمانیکه در رهبری و ساختار رهبری نظامی پاکستان تغییر اساسی وارد نشود تغییر سیاست و متفاوت از سابق پاکستان، کار عملی دیده نمی شود. وضع نشان میدهد که این هم نوعی از بازی با زمان و بازی جدید پاکستان است که ظاهراً در برابر افغانستان انعطاف و نرمش معلوم میشود. تمام شواهد نشان می دهد که این یک مرحله جدید از عین بازی دو رویه پاکستان است.

پاکستان در سرزمین بیگانه به صورت غیر مشروع ایجاد و زمانیکه به اهداف خویش نرسد، نخواهد گذاشت. زمان این نتیجه را ثابت خواهد کرد.

پاکستان توانسته نیرو های جهادی را برای تضعیف و از بین بردن نیروهای قومی و وطنخواه ملی پشتون و بلوچ استفاده ببرد و بضد اهداف هندی در داخل افغانستان و هند استعمال کند.

پاکستان با نمایش توانسته از توانمندی های نظامی کور و کر خویش صرف برای نمایشات تیتری ضد نیروهای موجود ملی در پاکستان، زجر و آزا مردم بی گناه پشتون و بلوچ استفاده ببرد و از جهان جزیه بگیرد.

شواهد و منطق سخن نشان میدهد که پاکستان توانسته در سطح جهانی با سابقه و شناخت کاری استخباراتی نیرو ها، شخصیت های ملی را توسط خود نیرو های استخباراتی جهان با مهارت با مشکلات مواجه ساخته و زمینه رشد شان را گرفته و زمینه ساز رشد و انکشاف شخصیت ها و گروه های شود که به نحوی با اهداف دور و نزدیک پاکستان سازگاری دارند. کاری که نیروها و حلقات استخباراتی ایرانی و قابل فهم، سایر نیروهای استخباراتی جهان میکنند. اما دست پاکستان بخاطر بلدییت به بازی های طویل المدت به مراجع استخباراتی جهانی و تجارب کاری عملاً بلندتر و بالاتر است.

شواهد نشان میدهد که درین راستا بخاطر پیگرد و به مشکل کشاندن افراد و شخصیت های ملی افغانی با داخل کردن شان در لست های سیاه رسمی و غیر رسمی و ایجاد مشکلات مختلف برای شما، بحث است قابل توجه و مستقل.

با شناخت، گذشته و حال پاکستان در اجلاس دو جانبه که دور سوم آن اینک در لندن با قیمومیت و اشراف حکومت انگلستان در ابتدای ماه حاضر صورت گرفت، تلاشهای جدید پاکستان برای تحقق اهداف خویش در منطقه و جهان است.

د پانوی شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پادونه: دلېکنې دلېکنيزې بڼې پازوالې دلېکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

پاکستان وعده های کرد و وعید های در مورد خط نام نهاد دیورندلایین به جانب افغانی داد. قرار معلومات دست دوم جانب پاکستانی تلاش کرد که جانب افغانی را از مقاربت و بازکردن مسأله خط دیورند لاین هوشدار دهد که به گمان اغلب و شواهد و قراین جانب افغانی نیز این مسأله را موضوع روز نمی داند و به آن اصلاً علاقمندی نشان نخواهد داد.

درین جلسه که به حضور یا ملاقات سطوح بلند از دیپلوماتان ارشد امریکا و نظامیان دست اول پاکستان و مراجع استخباراتی دست اول پاکستان و افغانستان حضور به هم رسانیده بودند تلاش است که به حضور یازده ساله امریکا و جامعه جهانی برای ختم نحوی فعلی مأموریت نیروهای خویش یک پایان آبرومند بیابند.

مسلماً این حالت و خاصناً اینکه در نتیجه این اجلاس مسأله مصالحه با حرکت طالب و دولت افغانستان در شش ماه آینده با این اطمینان سخن گفته میشود گواه مستند این است، که طرف اصلی درین قضیه به نحوی خویش پاکستان بوده و حرکت طالب وسیله ساخته شده است.

از جانب دیگر پاسخ به این سوال که پاکستان در قول و عمل خویش صادق است و آنچه وعده داده در عمل نیز توانایی دارد و یا خیر و اینکه پایان آبرومند و یا عدم آبرومند این مرحله مأموریت نیرو های ناتو و امریکا عملی خواهد شد، سوالات اند که جواب دقیق و درست آنرا زمان خواهد داد.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ